

## پیامی به احزاب، سازمانها و نهادهای که نشست مشترک داشتند.

پس از سالها احساس ضرورت بالاخره در روزهای ۲ الی ۴/۴/۱۳۹۱ تعدادی از احزاب و سازمانهای مختلف چپ به خود قبولاندند که جهت پیدا کردن راه حل های مورد نیاز برای خروج جنبش کمونیستی از بن بست باید به یکدیگر روی آورند، به خود قبولاندند که کارزار امروزی در مقابل سرمایه داری و عوامل آن از عهده هیچ کدام به تنهایی بر نمی آید .

عینا" و تلویحا" به خود قبولاندند که موجودیت خودشان به صورت پراکنده نه تنها سودی برای جنبش کمونیستی و کارگری ندارد، بلکه خود مانع رشد و گسترش این دو جنبش شده اند .

خروج این ۲۵ تشکیلات و نهاد از توهم خود محور بینی بسیار مثبت است، هر چند هنوز تعدادی دیگر تشکیلات در طیف چپ وجود دارند، که همچنان در دریای توهم خود غوطه ورنند ، اما به نظر می رسد، حرقه فروریزی این توهم در طیف چپ زده شده است، اگر دست اندرکاران امروزی این نشست با موضوع علمی برخورد کنند، به زودی شاهد فروریزی کامل توهم در کلیت طیف چپ خواهیم بود.

یک بار دیگر می خواهیم تأکید کنم ، حرکت های اعتراضی و اعتصابات خود به خودی کارگران طی حدود ده سال گذشته، مبارزات دامنه دار سندیکای شرکت واحد ، سندیکای هفت تپه ، کارگران پتروشیمی ها ، نساجی ها ، لاستیک سازی ها و غیره و به خصوص جنبش اعتراضی ۱۳۸۸ بدون شک نشان داد که هیچ کدام از احزاب و سازمانهای موجود آن چیزی که طبقه کارگر می خواهد نبودند ، نیستند و با توجه به ساختارهای آنها پتانسیل شدن نیز در آنها نیست ، مگر با برقراری ارتباط میان آنها و کنکاش برای یافتن راه حل، مانند همین نشست هر چه بیشتر و مستمر صورت بپذیرد. همچنین تذکر سه نکته بسیار مهم است . نکته اول، ممکن است تعدادی از رفقا در اشتباه باشند و بگویند طی ۳۳ سال گذشته بارها از این نشست ها انجام شده است و به نتیجه نرسیده اند، قبول داریم اتفاق افتاده و شکست خورده است، ممکن است، این دوره هم شکست بخورد، ولی به یاد داشته باشیم خروج از این بن بست، یک ضرورت است، در انجام شدن ضرورت، شکستهای زیادی ممکن است، اما نهایتا" پیروزی اجتناب ناپذیر است . حسن شرایط امروز این است که بستر و زمینه جهت برقراری همگرایی ها تحت فشار نیاز های جنبش کارگری و کمونیستی و جوشش داخلی و بیرونی که جامعه را به سمت اعتلا می راند نیاز به نیرویی دارد که لازمه ایجاد شدن توازن قوا، در واقع مکمل و ضرورت اعتلایی انقلابی است ، همچنین به دلیل رشد مبارزات طبقاتی بسیار آماده تر از گذشته است، شاید در گذشته جمع شدن آنها بر مبنای تشخیص درست فعالین و انقلابیون بوده است ولی زمینه همگرایی وجود نداشت، بنا براین با شکست مواجه می شد، اما اکنون با توجه به عبور از هجمه ای تحمیلی شکست کمونیسم و انواع تبلیغات ضد مبارزه طبقاتی زمینه و بستر همبستگی هر چه بیشتر خود را نشان می دهد.

تعداد شکست ها بستگی به میزان برخورد علمی با موضوع توسط بازیگران آن دارد که اگر تحلیل مشخصی از شرایط مشخصی نداشته باشند و نیازها و تواناییهای خود و دشمن را دقیقاً بررسی نکرده باشند و همچنین از توهم خودمحوری عبور نکرده باشند، پیروزی بدست نمی آید .

بارها دیده شده است. یک ورزشکار ممکن است در ده مسابقه شکست بخورد و بالاخره بار یازدهم پیروز شود، این پیروزی نتیجه تجربیات و تلاش طی ده بار شکست است . همیشه شکست ها بیشتر از پیروزی است چون در مسیر انقلابی پیروزی یک بار است اما شکست می تواند دهها بار اتفاق بیافتد، راه درست برای رسیدن به یک هدف فقط و فقط یک راه می تواند باشد، اما راه های انحرافی می توانند هزاران راه باشند. یک مورچه وقتی از ارتفاعی بالا می رود ممکن است ده بار به پایین بغلطد، ولی فقط یک بار پیروز می شود که دیگر به پایین نمی غلطد .

نکته دوم باید، تمامی وارد شدگان در درون این نشست از هم اکنون بپذیرند که شاید در طی مباحثات و مذاکرات در نشست های آتی نیاز به انحلال خود در درون یک ظرف بزرگ و جدید باشد، اگر امروز همگی اصل را بر پیروزی جنبش کمونیستی بگذارند، از خودمحموری عبور کرده اند و اگر فردا نیاز به انحلال خود در درون ظرف جدید باشد، بدون مکتب این کار را خواهند کرد. نمی توانم بگویم این نیاز چه زمانی و چگونه با چه شرایطی و تحت چه نامی احساس خواهد شد، اما به جرئت می گویم، ضرورت آن اجتناب ناپذیر است، پس باید تمامی رفقا ضمن به رسمیت شناختن اختلافات کنونی و برخورد دقیق علمی و برابر دانستن یکدیگر چنین رویکردی را نیز در روند و پروسه نشست ها به عنوان یک راه حل در نظر داشته باشند.

نکته سوم،

در این رابطه روی سخن با هواداران و بدنه تشکیلات ها است، آنها باید خود را در این روند بسیار محق و تاثیر گذار بدانند و اگر تشکیلات را به عنوان یک ابزار برای رسیدن طبقه کارگر به اهدافش می دانند، هدفشان از پیوستن به تشکیلات مورد نظر خود استفاده از ابزاری برای پیروزی طبقه است، باید روند نشست ها را با دقت دنبال کنند و هر زمانی لازم دانستند، تشکیلات مورد علاقه خود را وادار به انجام وظیفه ابزاری بودن خود نمایند، اگر تشکیلات فوق زیر بار ابزار بودن نرفت و در جهت منافع طبقه حرکت نکرد، آن را تنها بگذارند. این روش تنها و بهترین راه برای حرکت کردن در مسیر اشتراکات و حذف موانع سر راه مبارزات طبقه کارگر و خروج جنبش کمونیستی از بن بست است. و صد البته پیش برد چنین روشی وظیفه انقلابی تمامی هواداران است که اگر به این وظیفه عمل نکنند، نمی توان نام آنها را انقلابی گذاشت.

باید دقت کرد، با توجه به اینکه باید افق و کلیت خروج جنبش کمونیستی از بن بست در نظر گرفته شود، اما چون فعلا" از آن کلیت بسیار زیاد فاصله داریم، بهتر است، با دو دید کوتاه مدت و بلند مدت به نتایج این نشست ها توجه کنیم، بلند مدت را به عنوان راه حل برای افق و چشم انداز آتی و نهایی در نظر بگیریم و نتایج کوتاه مدت را به عنوان ایجاد توان و توازن جهت کسب حداقل ها مد نظر داشته باشیم. در این صورت حتی اگر در چشم انداز و افق دور به پیروزی نرسیم، یا بسیار دیرتر برسیم، حداقل توانستیم، منافع طبقه کارگر را در مواردی حداقلی تا حدودی به دست آوریم.

حداقل ها همانهایی هستند که امروز طبقه کارگر به صورت پراکنده ولی با تمام وجود برایش تلاش می کند، یعنی حداقل های امروزی همانهایی هستند، که عرصه فعالیتهای عملی امروز را تعیین می کنند، بنابراین اگر عملا" به صورت مشترک وارد عرصه های عملی حداقل ها شویم، بدون شک به اشتراکات بیشتری دست خواهیم یافت، این اشتراکات در عمل سکوی پرتاب برای رسیدن به اصول مشترک به صورت اجتناب ناپذیری خواهند شد. چرا که مبارزه در عرصه آنچه که طبقه کارگر امروز برای رشد در آینده لازم دارد، عملکرد سازمانیافته در رابطه با حداقل های امکان پذیر امروزی با دیدگاه و قبول چشم انداز و افق رشد یابنده، برنامه ریزی و سازمان یافتگی فردا است.

در واقع به دلیل پراکندگی امروزی است که دست یابی به حداقل ها نیز میسر نمی شوند، حداقل های امروزی سنگ بنای مطالبات مهم و بزرگ طبقاتی کارگران در فردا هستند. البته این دو طیف مطالبه جدایی عبور ناپذیر بینشان نیست، بلکه دلیل عمده پراکندگی است که نقاط اشتراک را در حداقلها قرار داده است و در همین حال هر کدام از تشکیلات ها نیز به تنهایی کارساز نیستند، بنابراین ناچاراً از حداقل ها شروع می شود.

باز تکرار می کنم حداقل های مطالباتی طبقه کارگر نقاط مشترک تمامی سازمانها، احزاب و نهادها هستند، برای رسیدن به اشتراک در حداکثرها ناچاریم از اشتراکات حداقلی شروع کنیم.

از جمله دفاع از حداقل های امروزی برای سازمانها و احزاب و خود طبقه کارگر حفظ تمامیت زندگی از سقوط طبقه محسوب می شود که عبارتند از:

سازماندهی نیروهای کارگری و انقلابی در جهت فعالیت عملی برای جلوگیری از اخراجها، افزایش دستمزدها، مقابله با حذف خدمات عمومی، مقابله با دستگیریها و محاکمه و زندانی کردنها، کسب آزادی های مدنی و سیاسی، ... مهمتر از همه تلاش بسیار زیاد

جهت متشکل شدن و متشکل کردن در اشکال متنوع و گوناگون که باز بدلیل پراکندگی، همه انواع متشکل شدن مکمل یکدیگر خواهند بود، هر شکلی از متشکل شدن در حوزه خاصی مورد نیاز و ضرورت پیدا می کند، که مجموعه ی آنها در جهت سراسری شدن و تکمیل یک دیگر ضرورت بلا منازع دارند. به فراخور وجود تنوع اندیشه ها و اختلاف کیفی میزان آگاهی طبقاتی در درون طبقه و گرایشات گوناگون در درون جنبش کارگری و جنبش کمونیستی و همچنین وجود سرکوب ددمنشانه هر گونه تشکل یابی، عوامل مهمی هستند که حکم می کنند به جهت عبور از این بن بست همه اشکال تشکل یابی در کنار هم و همزمان مورد نیاز است، که باید مورد عنایت واقع شوند. مثلاً" در جای از کشور سندیکا از جهت مقبولیت توده ای شکل غالب است، در جای دیگر شکل غالب کانون یا انجمن صنفی می تواند باشد، و در جای دیگر شورا ها شکل غالب به خود می گیرند. حتی در نقاطی مجموعه ای از اینها می توانند باشند، و دقیقاً" در حینی که از نظر خواستگاه توده ای اشکال نامبرده هر کدام با درجاتی مورد استقبال هستند، که مجموعاً" تمامی اندیشه ها و مناطق را پوشش می دهند، اما جهت امکان پذیر شدن هر کدام از آنها نوع دیگری از متشکل شدن و سازمان دادن همه امکانات در جهت وادار کردن دشمن به پذیرش تشکل یابی توده ای کارگران مورد نیاز صد در صدی است، آن سازمان یابی و سازماندهی مخفی انقلابی در قالب هسته ها و کمیته ها در محل کار و زندگی است که اگر این نوع متشکل شدن مورد عنایت واقع نشود، نمی توانیم جمهوری اسلامی را وادار به قبول انواع دیگر تشکل های توده ای نماییم. متشکل شدن در سه شکل علنی ، نیمه علنی و مخفی ضرورت اجتناب نا پذیر امروزی ما است، البته همه این اشکال ابزاری هستند تا طبقه کارگر بتواند به اهدافش برسد. با توجه به موارد بیان شده همه تشکیلات های طرف مذاکره باید به پذیرند که پافشاری برای قبولاندن نوع تشکل یابی مورد نظر خود به بقیه، به عنوان شکل غالب ادامه و دامن زدن به پراکندگی بیشتر است.

مورد دیگر که نیاز به دقت دارد، این است که سازمان سیاسی کارگران در به کاربردن تاکتیک ها، باید چنان انعطاف پذیر باشد که انرژی و پتانسیل لازم در جهت سازماندهی همزمان تمامی اشکال نامبرده تشکل یابی را با خود داشته باشد، فقط یک همچنین سازمان سیاسی می تواند، در شرایط کنونی ایران سازمان سیاسی طبقه کارگر باشد. توانایی دیگری که سازمان سیاسی طبقه کارگر باید داشته باشد، این است، که بتواند کار کردن در میان توده ها، حتی در درون تشکل های تحت سلطه دشمن را نیز سازماندهی نماید، یعنی هر جایی که کارگران حضور دارند باید به صورت تشکیلاتی وارد شده، فعالیت انقلابی (ترویج ، تبلیغ و سازماندهی ) را پیش ببرد.

رفقای شرکت کننده در نشست ۲ تا ۴ تیر ماه فعلاً" خواست ما از شما دو مورد زیر است .  
۱- در پایان نشست باید یک پلاتفرمی ولو بسیار کوچک و جزی بدست بیاید تا آن دست مایه و پیش زمینه ای برای ادامه روند و دلیلی جهت برقراری نشست های بعدی باشد ، همچنین همین دست مایه اولیه باید در نشست های بعدی قوی تر و قویتر شود.

۲- مشخص کردن تاریخ دقیقی برای ادامه نشست ها یا حداقل نشست بعدی .

در این صورت می توانید روی بسیاری از رفقا در داخل و بیرون حساب باز کنید ، فکر می کنم در حرکت امروز اگر زمینه ادامه و رشد روند در آن با دقت در نظر گرفته شده باشد ، باید از آن با تمام وجود حمایت کرد.  
به امید چنان روزی

محمد اشرفی ۱۳۹۱/۴/۱۷